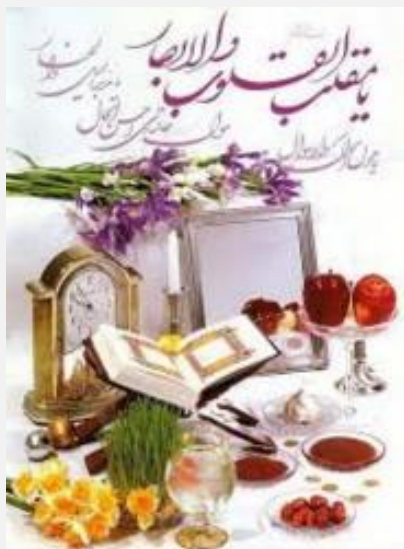


رسید مژده که آمد بهار و سبزه دمید



نوروز از راه رسید و دگر بار شادی، سرور و نشاط میهمان خانه های ایرانیان شد؛ خجسته آیینی که تاریخ غنی این دیار کهن را در خود نهان دارد و هر سال با آغازش رستاخیز و نو شدن طبیعت را با خویش به ارمغان می آورد.

نوروز از راه رسید و دگر بار شادی، سرور و نشاط میهمان خانه های ایرانیان شد؛ خجسته آیینی که تاریخ غنی این دیار کهن را در خود نهان دارد و هر سال با آغازش رستاخیز و نو شدن طبیعت را با خویش به ارمغان می آورد.

عید نوروز از دیرباز در ایران زمین و نزد مردمان این دیار کهن از جایگاهی بسیار ارزشمند برخوردار بوده است. پیشینه ی پیدایش این عید را به جمشید پادشاه پیشدادی نسبت داده اند. با بررسی نوشته های پیشینیان، با انگیزه های بسیاری درباره ی برپایی جشن نوروز روبرو می شویم که از برجسته ترین دلایل آن، آغاز سال نو و شروع بهار است.

سلسله ی ساسانیان نوروز را آغاز سال قرار دادند و آن را با شکوه برگزار می کردند و آداب و رسوم این روز را به صورت کامل به جای می آوردند. از آنجایی که آغاز هر ماه و سال نزد ایرانیان مقدس بوده و آیین های دینی در این روز انجام می شده است و نمازهای ویژه ای خوانده می شد، به ویژه اینکه آغاز ماه و سال با هم برخورد می کرد، این روز به فال نیک گرفته می شد و با جشن و شادی همراه بود.

واژه ی نوروز را در پهلوی «نوگ روز» می گفتند، این کلمه بعدها به شکل نوک روز درآمد و به مرور به عنوان نوروز در میان همگان گسترش یافت. بر پایه ی نوشته های به یادگار مانده از روزگار ساسانیان، در آن زمان هر پادشاهی در این روز فرخنده، مردم کشور و نواحی زیر فرمان خویش را شاد و خرم می کرد و افرادی که کار می کردند دست از کار می کشیدند و به آرامش و شادمانی می پرداختند.

جشن های مربوط به نوروز در ایران باستان از بیست و ششم اسفند آغاز می شد و 6 فروردین، نوروز بزرگ بود که مردم این روز را عید می نامیدند و آن را پاس می داشتند.

حکیم عمر خیام در کتاب نوروزنامه درباره ی چگونگی آغاز این آیین باستانی نوشته است: «انگیزه ی نام نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند، آفتاب را 2 دور بوده، یکی آن که در هر 305 روز یک چهارم روز از شبانه روز به یکمین دقیقه ی حمل بازآید به همان هنگام و روز که رفته بود، بدین دقیقه نتوان آمد که هر سال از مدت همی کم شود و چون جمشید آن روز را دریافت، نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان و مردم دیگر از او پیروی کردند...»

همچنین برگزاری جشن نوروز در ایران باستان در دستور بزرگ پارسی نژاد بدین صورت شرح داده شده است: ایرانیان باستان پیش از آن که سال نو تحویل شود، بدن خود را پاک و پاکیزه می کردند و تن پوش نو در بر کرده، عطر و گلاب به خود می زدند و با همدیگر روبوسی می کردند، در این روز فرخنده اسیران و زندانیان مورد بخشش قرار می گرفتند و سفره ویژه ای به نام سفره ی نوروزی می گسترده و در آن شیرینی، شمع، آینه، گل سبزی، نقل، مجمر آتش، عود و انبر می چیدند و نیز خوراکی ها و نوشیدنی های زیاد در این سفره بود.

آنگاه گوش به زنگ شنیدن صدای طبل و دهل که نشانه ی پایان سال گذشته و آغاز سال نو و نوروز بود، می نشستند و چون سال نو تحویل می شد، نخست ریش سفیدان و سالمندان خانواده از جای خود برخاسته و به هر یک از اهل خانه سه قاشق عسل و یا شربت و سه دانه شیرینی یا سه دانه میوه خشک و یا سه سکه ی زرین یا سیمین و سه برگ سبزه داده و فرخنده باد نوروز را به یک یک آن ها بیان می کرد.

***پژوهشگر گروه اطلاع رسانی ایرنا به مناسبت آغاز عید نوروز و سال نو، با اسماعیل آذر استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی به گفت و گو پرداخته است.**

اسماعیل آذر با بیان اینکه نمی توان تاریخ دقیق پیدایش نوروز را به درستی تعیین کرد، گفت: مراسم نوروز از سه هزار سال پیش به هنگامه ی دوره ی مادها وجود داشته است و ایرانیان شادترین مردم جهان در روی زمین بودند و هنوز هم هستند و هیچ قومی به اندازه ی ایرانیان جشن، سرور و عید ندارد.

این استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان این که نوروز مهم ترین عید ماندگار در تاریخ است که جوامع مختلف در طول قرن های مختلف آن را پذیرفتند، خاطر نشان کرد: عید نوروز نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر جهان با آغاز نخستین روز بهار و بیدار شدن طبیعت جشن گرفته می شد. سال ها پیش نوروز شکل جهانی به خود گرفت و در یونسکو به عنوان جشن و رسمی غیر ملموس به ثبت رسید که این رویداد افتخاری برای تمامی ایرانیان است. در دوران گذشته هر شخصی که در صدر حکومت قرار می گرفت، هنگامه ی بر تخت نشستن او را مبدا تاریخ و سال قرار می دادند که این امر در دوره ی پادشاه بعدی تکرار می شد تا آن که در زمان ملکشاه سلجوقی؛ تاریخ برگزاری این عید باستانی با حضور چندین فیلسوف و ستاره شناس از جمله حکیم عمر خیام تعیین و در گاهشمار تاریخی این گونه ثبت شد: زمانی که آفتاب به اوج حمل می رود و شب و روز یکسان می شود. در همان روز طلوع سال نو است.

وی سفره ی هفت سین را رنگین ترین و با شکوه ترین سفره ی ایرانی دانست و گفت: ایرانی ها در هر مکان و زمانی که بودند، هنگامی که خورشید در برج حمل قرار می گرفت، دور سفره ی هفت سین می نشستند، آرزوهای خویش را از خداوند بزرگ درخواست می کردند و با پروردگار خویش به راز و نیایش می پرداختند، دعا می خواندند و به خوشی و خرمی روزگارشان را پشت سر می گذاشتند. در منابع تاریخی، سفره ی هفت شین داشتیم اما با گذشت زمان این سفره هفت سین نامیده شد. عدد هفت در تمام جامعه ها مقدس بود و از آن بسیار استفاده می شده و در قرآن نیز این واژه به ویژه در داستان یوسف و زلیخا ذکر شده است؛ دلیل دیگری را می توان برای کاربرد عدد هفت نام برد که ایرانی ها در گذشته از کشور چین، سینی هایی را وارد می کردند که این سینی ها هفت خانه داشت و به آن هفت چینی می گفتند و پس از گذشت روزگاران حرف چ به س و هفت چین به هفت سین تبدیل شد.

استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان اینکه در هفت سین عناصری مورد استفاده قرار می گیرند که هر کدام دربرگیرنده ی مفهومی نمادین است، اظهار داشت: سکه تمنای یک سال پر رونق و اقتصادی شکوفاست. سنجد نخستین میوه ای قلمداد می شود که پیش از بهار می رسد و طلایه دار میوه های دیگر است و در باور پیشینیان درخت سنجد بوی عشق می دهد و هر شخصی که این بو را استشمام کند، روح عاشقی در او دمیده می شود. سمنو را اقوام دیگر ایرانی چون تاجیک ها سمنک می گویند که از بهترین غذاهای تاریخ به شمار می رود و غذایی است که هیچ عنصر غیرطبیعی در آن وجود ندارد. تخم مرغ نشانه ی زایش و تولید مثل در سال جدید است. ظرف آب نیز به دلیل کاربرد نام ترکی آن به معنای سو در سفره ی هفت سین استفاده می شود، پیشینه ی این رویداد به دهه ی پنجم هجری قمری باز می گردد، سلجوقیان در آن دوره به 2 گروه تقسیم شدند یک گروه به ایران آمدند و گروهی به آسیا رفتند و سلجوقیان آسیا را تشکیل دادند. آسیای صغیر یعنی ترکیه و نسل های آن تا روزگار آتاتورک به زبان فارسی سخن می گفتند. بنابراین سو، واژه یی محسوب می شود که در فرهنگ ما بوده و به همین دلیل از آن در فرهنگ فارسی نیز استفاده می شده است.

وی در ادامه ی سخنانش سیب را نشانه ی زندگی عنوان کرد و گفت: سیب نماد ازدیاد نسل است و معنای زندگانی می دهد. ماهی نشانه ی سلوک، پابندگی و پویندگی و سیر از بهترین عنصرهای ضدعفونی کننده است که بسیاری از دردها را درمان می کند. سبزه در سفره ی هفت سین نیز تمنای یک مزرعه ی پر بار و باصفاست. در دوره های پیشین، 12 مناره ی بزرگ ایجاد می کردند و بر فراز آن ها 12 نوع دانه چون عدس، نخود، لپه و... را پرورش می دادند و هر کدام که بهتر سبز می شد، از آن دانه استفاده می کردند.

مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی درباره ی رسم و رسوم های نوروز در دوران گذشته اظهار داشت: هنگامی که نوروز فرا می رسید یکی پشت در خانه می رفت و در می زد، از او می پرسیدند تو کیستی؟ وی می گفت: من نوروز خان هستم و سپس در را به رویش می گشودند و از شادمانی فریاد می کردند که نوروز داخل شد.

قاشق زنی مراسم دیگری است که در روزهای پایانی سال اجرا و یکی از رسم های بسیار نیکو قلمداد می شد. بر پایه ی این رسم، کودکان بر صورت خویش نقاب می کشیدند و ظرفی را در دستشان می گرفتند و با قاشق به در خانه های همسایه ها می

زدند. رسم قاشق زنی به این معنا بود؛ ای کسانی که آسوده در خانه هایتان هستید یادتان باشد که در همسایگی شما ممکن است آدم تهی دستی هم حضور داشته باشد، یادی هم از آنان کنید. ظرف هایی را با نخ یا طناب در خانه ی همسایه رها می کردند و آن ها هدیه ای در آن ظرف می گذاشتند.

ایرانیان بر این باور بودند که ارواح در آخرین چهارشنبه ی سال به خانه هایشان می آیند بنابراین بر بام ها آتش روشن می کردند تا ارواح خانه هایشان را گم نکنند. آنان در آخرین پنج شنبه ی سال برای مردگان خود نذر می کردند و غذا بر سر مزارشان می گذاشتند و از یک عالم برای عالم دیگر برات(خیرات) می کردند تا بتوانند با مردگان خود تسویه حساب کنند و سال نو را به خرمی و نشاط بپردازند.

اسماعیل آذر در پایان بیان کرد: آغاز سال نو در گذشته با برپایی جشن نوروز خاصه و عامه در دربارها صورت می گرفت که خوشبختانه این رسوم از میان رفت و یکی از زیباترین فصل های نوروز که دربردارنده ی این دید و بازدیدهاست و غنی و فقیر نمی شناسد در همه جا آغاز شد و گسترش یافت و از آن پس همگان به خانه ی هم می رفتند و از حال هم آگاه می شدند و با شیرینی ها و غذاهای مختلف و آداب و سنن بسیار گوناگون، این سنت کهن را برپا می کردند به راستی نوروز روزگار نشاط و خرمی است. خوشبختانه سال 1394 خورشیدی با عطر یاس و شهادت حضرت فاطمه(س) همراه شده که نام این بانوی عزیز و معزز اسلام رایحه ی الهی را با خودش به خانه های ما خواهد آورد.

از فاطمه مهدوی